



چگونگی موسیقی در افغانستان

نوشته کریم پوپل



رباب، ساز ملی و اصیل افغانستان

موسیقی افغانستان نماینگر و نقطه عطف زیبایی‌های تنوع قومی و زبانی در افغانستان است. موسیقی زبانهای دری، پشتو و ترکی زبان‌های اصلی متن ترانه‌ها را تشکیل می‌دهند. در این کشور سبک‌ها و شیوه‌های گوناگون موسیقی، از غزل فارسی گرفته تا راگ هندی رواج دارد. گام‌های موسیقی عمدتاً دیاتونیک (بدون میکروتون) بوده و تا همین اواخر چندصدایی و هارمونی به شکل غربی آن در موسیقی افغانستان تأثیر چندانی نداشت.

موسیقی افغانستان تا حد زیادی بصورت ترانه است، با اینحال رپرتوار قابل توجهی از موسیقی بدون کلام نیز وجود دارد. شعرهای دومصرع ربائی غزل قصیده داستان جایگاه ویژه‌ای در فرهنگ موسیقی این کشور دارد. میراث شعرهای دری اهمیت بسیاری در بین مردم داشته و همچنین شعر پشتو نیز دارای ریشه‌های تاریخی می‌باشد. متن ترانه‌ها متشکل از موضوعات معدودی است. آهنگ‌های عاشقانه با تم‌هایی از عشق نافرجام و اشاره مکرر به داستان لیلی و مجنون، بیشتر موضوعات ترانه‌ها را تشکیل می‌دهند و به وقایع جاری و تجربه شخصی کمتر پرداخته می‌شود.

موسیقی افغانستان در سبک‌ها و شیوه‌های گوناگون، هنرمندانی را پرورانده که شهرت بعضی از آنان از حدود مرزهای این کشور نیز فراتر رفته است. از دهه شصت هجری خورشیدی، افغانستان درگیر خشونت‌های داخلی بوده است. از این رو علی‌رغم میراث غنی موسیقی در این کشور، موسیقی سرکوب شده و ضبط برای خارجی‌ها به حداقل رسیده است. با اینکه شهر کابل مرکز فرهنگی افغانستان است در عرصه موسیقی، هرات جایگاه ویژه‌ای دارد، چرا که وطن موسیقی سنتی افغانستان است و نسبت به سایر ولایت‌های افغانستان موسیقی‌اش پیشرفته تر است.

۱. تاریخچه موسیقی افغانستان

موسیقی در افغانستان در دوره آریایی‌ها، سروده‌های ویدی ریگودا و سروده‌های گاتا‌های اوستا در کوهپایه‌های هندوکش در دوره هخامنشیان رونق خوبی داشت. این موسیقی بشکل کورس و دسته‌جمعی با ریتم ذکر می‌گردید. پس از ورود عرب‌ها در خاک افغانستان موسیقی تنها در قریه‌ها بشکل تک خوانی نیمه‌جان باقی مانده بود. صرف نواختن دف با آواز خواندن در منازل بمنظور مناسبتی وجود داشت. موسیقی افغانی

دوباره در زمان سامانیان بخصوص دروه اسدبن سامان و یحیی بن احمد مروج سامان مروج گردید. تا حدود در دوره گورکانیان، تیمورشاه (درانی) در دربار رواج پیدا کرد.

در سده نوزدهم میلادی، بر اثر کشمکش‌های داخلی و جنگ‌های خارجی با بریتانیا، شرایط برای رشد و پرورش هنر موسیقی فراهم نبوده است. این هنر در محافل رسمی افغانستان چندان خریداری نداشته و هنرمندان آن که یکی از اقشار پایین‌دست جامعه به شمار می‌آمده‌اند، در همان حال و هوای موسیقی خراسانی سیر می‌کرده‌اند.

در سال ۱۲۵۸ شمسی (۱۸۷۹ میلادی)، در دوره امیر شیرعلی‌خان برای اولین بار یک گروه از موسیقی‌دانان هندی به افغانستان آمدند و امیر شیرعلی‌خان به آنها در حوالی خواجه خوردک یعنی خرابات مسکن اعمار کرد. هرچند این هنرمندان برای هنرنمایی در دربار شاه دعوت شده و در اوایل نیز فقط به همین کار می‌پرداختند، هنر آنان کم‌کم به دیگر سطوح جامعه نیز تسرع یافت و بدین ترتیب، به مرور زمان مقبولیتی عام در افغانستان پیدا کرد. موج موسیقی هندی که بدین ترتیب وارد افغانستان شده بود، تأثیر عمیقی بر موسیقی نیمه‌جان موجود وارد کرد و ضمن ایجاد تحول در آن، زمینه را برای رشد این هنر مساعد ساخت. از آن سوی نیز این نسل هنرمندان هندی به زودی به کشور افغانستان تعلق خاطر یافتند و فرزندان آنان به هنرمندان ملی کشور مبدل گردیدند و برای پیشرفت هنر موسیقی در این کشور اهتمام به خرج دادند. یکی از خدمات این استادان، تنظیم دوباره بعضی از آهنگهای محلی افغانستان بود در قالب دستگاههای موسیقی هندی در آوردند که بدین ترتیب، این آهنگ‌ها از معرض زوال و نابودی نجات یافته و وارد محافل موسیقی رسمی کشور شد. خدمت دیگر این هنرمندان به موسیقی افغانستان، آموزش این هنر به جوانان، نوجوانان و حتی کودکان مدارس این کشور بود و این امر، در ترویج موسیقی با اصول علمی در آیین کشور بسیار موثر واقع شد. یکی از هنرمندان بزرگ خراباتی که توانست بدین ترتیب هنر موسیقی را از محدوده خرابات بیرون برد و به مراکز آموزشی این کشور بکشاند، استاد غلامحسین بود. اولین استاد افغان بنام استاد قربانعلی نام داشت که استاد و مربی استاد قاسم و پدر استاد محمدنبی مشهور به (استاد نتو) بود.

در دوره شاه امان‌الله (۱۹۲۹-۱۹۱۹) موسیقی انکشاف بیشتری یافت و در کنار نظام آموزشی خرابات، نهادهای آموزشی علمی و اکادمیک نیز ایجاد شد که در آنها نوازندگی سازهای غربی آموزش داده می‌شد. دولت برای مدت کوتاه در مکاتب کورس‌های موسیقی را تدریس می‌نمود. یکی از کسانی که در این مسیر خدمات شایانی به موسیقی افغانستان انجام داد، استاد فرخ افندی بود که از ترکیه به افغانستان دعوت شده بود. استاد قاسم، استاد غلامحسین، استاد نبی‌گل و استاد محمدحسین سرآهنگ از استادان مشهور وقت بود.

پس از دهه ۱۳۵۰ موسیقی در اجتماع افغانستان جایگاه خوبی را پیدا نموده بود. پس از تحولات در افغانستان موسیقی در شهر کابل بشکل عالی آن انکشاف نمود. در آن زمان گروه‌های هنری انسابل هنری زنان کورس‌های موسیقی رایگان مکتب موسیقی فاکولته هنرهای زیبا و غیره تاسیس شد. ولی در مجموع در تمام افغانستان، جنگ سدی برای موسیقی گشت. در دوره طالبان موسیقی حرام دانسته شده و از بین رفت. ولی افغانهای که در پشاور اسلام آباد و کشورهای غربی زندگی می‌کردند موسیقی را در محافل عروسی و خوشی نگهداشته بودند. پس از ۲۰۰۲ دولت کوشش دارد که موسیقی را دوباره مانند سابق احیا کند و فعالیت موقفانه پیش می‌رود.

۲ سبک‌های موسیقی در افغانستان

موسیقی افغانستان نظر به موقعیت و فرهنگ دارای چندین سبک می‌باشد. سبکهای مشهور موسیقی افغانستان تا اکنون طور سالم مطالعه و رشد نداده شده است. مشهورترین سبکهای موسیقی افغانستان عبارتند از موسیقی هزاره گی، بدخشی، لهوگری، هم‌آهنگی یا خراباتی، بابیه قرانی یا قطغنی، شیرو شکر، خوستی، داستان جلال آبادی و لغمان، هراتی، نورستانی، پنجشیری، ترکمنی، ازبکی، مذهبی، شمالی و غیره می‌باشد. طور عموم موسیقی افغانستان را در صنفهای ذیل تقسیم بندی نموده ام که قرار ذیل می‌باشد:

۲,۱ موسیقی محلی و سنتی (فلکلوریک)

عبارت از موسیقی محلی یا کلیوالی افغانستان می‌باشد. موسیقی آن عده محلات و سمتهایی که شهرت دارند عبارتند از سبک بدخشی، خراباتی، لوگری، قطغنی، هزارگی، داستان سمت مشرقی، سبک غرنی پکتیا، کلیوالی سمت جنوبی، ترکمنی، هراتی، قرصک پنجشیر، و هارمونیک یا چند آواز کشیدن مردم نورستان می‌باشد. از هنرمندان معروف محلی‌خوان می‌توان از گل‌زمان (در سبک پکتیایی)، صفر توکلی (در سبک هزارگی)، بیلتون (در سبک لوگری) و ناوک هروی (در سبک هراتی) باز گل بدخشی (موسیقی بدخشی) مرحوم حاجی سیفو (شمالی)، هم آهنگ (خراباتی) را نام برد.



پس از قرن 18 با رواج موسیقی هندی و موسیقی غربی در سده اخیر، تأثیرات خودرادر عمق موسیقی محلی افغانستان گذاشته کمپوز های نزدیک به همان نوع موسیقی ترتیب گردیده است. البته سبک‌های جدید که زمینه رشد برایش بیشتر بود و هم رادیو افغانستان (یگانه وسیله ارتباط جمعی در آن سال‌ها) در اختیار خود داشتند نسبت به دیگر نوع موسیقی افغانی بیشتر رشد نموده و موسیقی محلی را در انزوا قرار دادند. بعضی از هنر مندان متجرب توانستند بعضی از آهنگ‌های محلی را که رو به فراموشی می‌رفتند در قالب جدید بازسازی کنند و در ارکسترهای امروزی به اجرا در آورند. آهنگ‌های معروف «آستا برو» و «نازی جان» از این دسته است که توسط استاد قاسم بازسازی و بازخوانی شده‌اند. از آن پس نیز استاد محمدحسین سرآهنگ در اجرای قطعات شمالی و استاد عبدالوهاب مددی در اجرای قطعاتی از موسیقی محلی هرات و صادق فطرت «ناشناس» در اجرای بعضی از قطعات پشتو گام‌هایی در این مسیر برداشته‌اند. این روش حتی توسط نسل جوانتری همچون فرهاد دریا و داوود سرخوش وحید قاسمی نیز پی گرفته شده‌است که اینان گاه آهنگ‌های محلی را با سازهای غربی اجرا کرده‌اند.

۲,۲ موسیقی مذهبی

این موسیقی پس از ارشاد دین اسلام توسط نعت خوانان و شاعران سبک صوفیه و قوالی خوانان بمیان آمده و فعلاً بمدارج عالی خود رسیده است. موضوع این سبک توصیف خداوند و پیغمبر اسلام و یاران دوره محمد می‌باشد. شعرهای این سبک بعضاً تا ده ساعت طول می‌کشد. معمولاً در پهلوی سرود خوان ۳ تا ۱۰ نفر مکررین و همکاران نیز سرودخوان را یاری می‌کنند. این موسیقی دارای طرزهای چشتی، روضه‌ای، نوائی و غیره‌اند. پس از اعراب تعداد از استادان غرض جلوگیری از دفن موسیقی، موسیقی را در چوکات شعرهای صوفی دادستانهای یاران پیغمبر و مذهبی جا داده بدین صورت صنف جدید را ایجاد نمودند.

۲,۳ موسیقی پاپ افغانستان

عبارت از سبک جدید است که شنوندگان زیاد دارد. این سبک پس از تاسیس رادیو افغانستان در سال ۱۹۲۱ بمیان آمده‌است. این موسیقی پس از وارد شدن انواع آلات غربی بخصوص پس از سال ۱۹۴۰ رونق خوبی را پیدا نمود. در رادیو تلویزیون افغانستان این گونه آواز خوانان را آماتور (غیر حرفه‌ای) و این سبک را آماتوری می‌نامیدند. مشهورترین آوازخوانان پاپ شادروان احمد ظاهر، احمد ولی، ظاهر هویدا، استاد زلاند، صادق فطرت (با نام مستعار «ناشناس»)، بانو مهوش، بانو پرستو، بانو قمرگل، بانو ژیلا، بانو نغمه، رحیم مهریار، جواد غازیار، استاد زاخیل، استاد مددی، شادکام، فرهاد دریا، احسان امان و غیره می‌باشد. اولین زن خواننده پاپ بانو میرمن پروین و دومین آن بانو آزاده می‌باشد.

۲,۴ موسیقی هیپ هاپ افغانستان

عبارتند از موسیقی مدرن با وسایل مدرن میباشد. کمپوز و شعرهای این نوع موزیک افغانی بوده و بعضاً مخلوط هم می‌باشد. در تکامل این هنر افغان‌هایی که در اروپا و آمریکا زندگی می‌کنند نقش عمده داشته‌اند. مشهورترین آوازخوانان این سبک بانو مژده، بانو غزال، ولی، جاوید شریف، رامین شریف، تیمور جلالی، شفیق مرید، دل‌آغا سرور، نظیر خارا، فواد ساغر، فردین فریاد، حبیب قادری، فرهاد دریا، تواب آرش و غیره می‌باشند.

۲,۵ موسیقی کلاسیک

این موسیقی بشکل غزل فارسی ترانه و راگ هندی (نر) یا راگنی (ماده) خوانده می‌شود. مشهورترین آوازخوانان موسیقی کلاسیک افغانستان شادروان استاد محمدحسین سرآهنگ، استاد قاسم، استاد اولمیر، استاد رحیم‌بخش که در بین افغان‌ها بسیار محبوب هستند.

۶,۲ موسیقی رپ

موسیقی رپ نوع مدرن است که زیاده فشار بالای شعر موزیک رقص و کلیپهای مخصوص آورده شده است. کنون این موسیقی در کنار ده‌ها سبک متفاوت دنیای معاصر موسیقی، میان جوانان افغان و آوازخوان‌های حرفه‌ای و آماتور جا باز کرده است.

رپ از انواع جوان دنیای موسیقی است که بیش از سی سال پیش به ابتکار گروهی از جوانان سیاهپوست آمریکا در نیویورک برای مبارزه با "تبعیض نژادی" و برآورده شدن یک سری از اهداف سیاسی آنان، روی کار شد. بیژن ظفرمل از آغازگران موسیقی رپ در افغانستان است که به نام‌های "بیژن جان قندوزی" و "دی جی بیژو" نیز شهرت دارد. او موسیقی رپ را در سال ۲۰۰۶ میلادی با اجرا از طریق تلویزیون‌های خصوصی، برای افغان‌های داخل کشور معرفی کرد. دومین سراینده موسیقی رپ سوسن 23 ساله است. سوسن در دو سالگی که به موسیقی رپ رو آورده زندگی اش بسیار متحول شده است. خود او در پاسخ به این پرسش که چرا رپ را انتخاب کرده است گفت: "۲ سال پیش دختر پدر و مادری خیاط بودم که در خانه مخمل‌ها را برای مردم مهره دوزی می‌کردند، یک سوسن عادی بودم اما امروز یک کرکتر و یک رپ‌خوان هستم."

در کنار سوسن تعداد انگشت شمار دختران دیگر نیز به اجرای موسیقی رپ روی آورده اند که این موضوع منتج به رقابت میان پسران و دختران رپ‌خوان در این کشور شده است. این موسیقی در آینده چند سال علاقمندان بیشتری خواهد داشت.

راگها مقامها و اصطلاحات موسیقی افغانی

در موسیقی شرقی چندین صد مقام وجود دارد. هر مقام از خود یک یا چند راگ و راگنی دارد. بعضی از این راگها کدام شعر پر مفهوم ندارند ولی در یک راگ تمام آوازها و صداهایی که خواننده ادا می‌کند خیلی منظم و دلپذیر می‌باشد. پرزه‌هایی که خواننده می‌خواند در سایر کمپوزها کلید شمرده می‌شود. راگها معمولاً کلید تمام صداهای خوش پذیر همان مقام را در یک آهنگ آورده است. بدین منظور یک هنر مند قبل از آوازخواندن راگها را خوب درست ادا کند. تا گلو و آوازش تر و مطبوع گردد.

مقام: در غرب بنام ملودی (melody) یاد می‌شود، یعنی از دوازده پرده طبیعی پیانو یا هارمونیه ۵ یا بیشتر از پرده‌ها آواز منظم و زیبا را می‌کشد. مثلاً مقام پاری Sa-Re-Ga-Ma-Pa-Dha-Ni-Sa همه نر است، یعنی از Sa تا Sa پرده سفید.

سَبْتِک (Saptak): مجموعه‌ای از دوازده صوت است. از سَای (do) بم تا سَای (do) زیلتر در هارمونی ۳ سبتک وجود دارد ولی در پیانو ۶-۷ سبتک وجود دارد.

اروی: نواختن از طرف بم بطرف زیل
امروئی: نواختن از طرف زیل بطرف صوت بم یا آواز غور
راگ [Raga]: عبارت از کلید اشکال صوت‌ها در یک مقام‌اند. راگ‌های معمول عبارتند از پاری، بهلاول، بهرمی، سرنگ و گنداره. تلنگ، آسآوری و غیره میباشند.
پُرزه: عبارتند از نوازش در میان یک کمپوز و یا راگ می‌باشد.
ماتره (metre): هر ضربه تال را یک ماتره می‌گویند.

تال (Tala): نواختن طبله تال را که موافق و موازی با آهنگ باشد و خواننده را آرام نگهدارد تال گفته میشود اگر خواننده در میان ضربهای طبله خطا کند بنام بی لهی یا بی تال یاد می‌نمایند. در افغانستان تال‌هایی که زیاد قابل استفاده است عبارتند از تین تال ۱۶، ماتره گیده ۵، ماتره دادره ۷، ماتره چپ تال و یکتاله می‌باشد.

تالهای طبیعی را یک لا می‌گویند. هر تال که به سرعت نواخته شود دولا گویند در بعضی تالها دولا با یک لا فرق دارد. یک تال دارای چندین نوع یا ماتره است. درین اواخر بشریت 3 لا یک تال را اختراع نموده اند که سرعت خیلی تیز دارد.

تیور (tivra): در گرامر موسیقی هندوستان مروج است که سُرهای (Swara) پنجم Pa یا Sol، و اول Sa یا Do را فاقد نیم سُر می‌دانند یا به اصطلاح فاقد نیم سُر می‌اند. به این اساس از جمله دوازده سُر در یک سبتک یا octave، پنج سُر (تیور/tivra) یا ثقیل و پنج سُر دیگر (کومل/komal) یا خفیف و دو سُر یا نُت مستقل‌اند. در حالیکه در موسیقی غرب اینطور نیست.

سُر (Swara): منظم خواندن را که دلچسپ باشد «سُر» می‌گویند.
لهی: آواز خوان که با تال طبله یا درام منظم و مساوی بخواند دارای لهی‌اند.

آلات موسیقی افغانستان

رباب: رباب ساز ملی افغانستان است و از سازهای تار رباب، با دسته کوتاه که با دست یا کمانه نواخته می‌شود. سازهای زهی با دسته بلند همچون تنبور، دوتار و دمبوره و همچنین سازهای زهی با دسته خمیده همچون سرنده و غیچک رایج هستند. تنبور و دوتار ۱۴-سیم هرآتی تنها سازهایی هستند که منحصر به افغانستان می‌باشند. سازهای اصیل افغانستان عبارتند از تنبور توله چنگ چهارتار دایره و دف دمبوره دوتار، شامل دوتار هرآتی، دوتار ترکمنی و دوتار ازبکی دوتار دُهل دُهلک رباب ریچک زیربغلی سرنده سرنی سورنا یا سورنای سهار شش‌تار منگی نغاره نی و واج میباشند.

سازهای تار (موسیقی تار)

* "تنبور": یکی از سازهای تار (زهی) است که چوب آن از درخت توت ساخته شده و طول آن یک متر و سی و دو سانتیمتر است. تنبور دارای دو تار (سیم) اصلی و پانزده تا فرعی است که بیست و هفت پرده دارد و و تارها از روی دسته‌ای بلند و کاسه‌ای عبور کرده‌است و با ضربه انگشتان به صدا درمی‌آید. این ساز در اغلب نقاط کشور مورد استفاده قرار می‌گیرد. در تنبور سه سبتک جای داده شده است. نوازنده معمولاً از سبتک دوم و سوم زیاد استفاده می‌نماید. دو تار جلو تنبور که نسبتاً دبل است در پنجم سبتک اول سُر میشود. باقی تارهای تنبور از کرچ خواننده سُر میشود. نواختن تا حدود 7-10 سانتی متر بالا تر از خرک نواخته

میشود. هر قدر تنبور خشک باشد تارها اهتزاز زیادی می‌نماید و تنبور خوب آواز می‌دهد. اگر چوب تر باشد تنبور آوازش زود خاموش میشود و بنام دپ یاد میشود. بدین صورت تنبور کج شده آوازهای نامنظم از آن بصدا در می‌آید. کوتکهای تنبور پس از اینکه کمی تر شود در جای خود محکم می‌ایستند. تارهای تنبور را میتوان نظر به راگها و مقامها سر نمود. ولی در حالت عادی در مقام بیرمی سر میشود. یعنی از سا تا سا در پرده‌های سفید یا نر سر میشود. اینکه چگونه آرمونیه و تنبور هم آواز شوند تجربه زیاد کار دارد. در قرن 20 مشهورترین تنبور ساز بچه قادر بود که در شور بازار دکان کوچک داشت.



Größe Bilder kostenlos einbinden. TRIXUM.DE

* **چنگ:** یک ساز کوچک فلزی است که در میان دندان‌های جلو قرارش می‌دهند و در حالی که آن را با یک دست در دهان خود محکم گرفته، با یکی از پنجه‌های (انگشتان) دست دیگر آن را به صدا در می‌آورند. حین نواختن چنگ باید مرتب نفس کشیده شود زیرا صداهای زیر و بم چنگ توسط هوایی که در دهان انسان جریان دارد تنظیم می‌شود. این ساز را دختران و پسران شوقی و هنرمندان حرفه‌ای مخصوصاً در ولایات شمال و غرب افغانستان می‌نوازند.

* **چهارتار:** در فرهنگ‌ها به تنبور و رباب که چهار سیم یا زه دارد اشاره رفته، اما در مفهوم کلی‌تر به هر سازی که چهار تار داشته باشد می‌توان چهارتار اطلاق نمود. این ساز که از لحاظ صدا و سیمای خویش با سایر آلات موسیقی محلی افغانستان تفاوت‌هایی دارد به نام‌های تار، چهارتار و شش‌تار دیده شده‌است.

* **دمبوره:** رایج‌ترین ساز زهی افغانستان است که دو تار نایلون دارد. این ساز غیر شیاردار (غیر زیرسیم‌دار) از دو بخش تشکیل شده‌است: دسته (گلو) و کاسه (شکم) که برای تشدید نوا منظور شده‌است. این ساز و پیچ‌کوک‌های آن از چوب درخت توت ساخته می‌شوند. بر روی کاسه (شکم) چوبی این ساز چند سوراخ آوایی بصورت گروه سه‌گوش‌شکل یا بصورت انفرادی تعبیه می‌شوند. طول دمبوره معمولاً از ۷۰ سانتیمتر تا یک متر می‌رسد.



دوتار (دمبوره)

* **دوتار:** یک ساز تازی است که از چوب توت ساخته می‌شود و طول آن یک متر و سی سانتیمتر است و با ناخنک نواخته می‌شود. این ساز در ابتدا دوتار روده‌ای داشته با تغییراتی که در طول زمان در آن رخ داده اکنون یک تار اصلی، سیزده تار فرعی و نوزده پرده دارد و بیشتر در قسمت‌های غرب و شمال افغانستان رایج است که بنام‌های دوتار هراتی، دوتار ترکمنی و دوتار ازبکی شناخته می‌شوند.



* **رَبَاب** : از سازهای رشته‌ای (مهره) کمانی بسیار قدیمی است و معروفترین آلت موسیقی اصیل افغانستان است. این ساز عود (بربط) مانند، از چوب توت ساخته شده، دسته‌ای (گلی) کوتاه دارد، و در قسمت پایین، کاسه (شکم) آن با پوست بز پوشیده می‌شود. طول یک رباب عادی با میانه ۹۲ سانتیمتر است. رباب چهارده پرده و سه تار ملودی و چند تار بم و تقویت‌کننده صدا (سمپاتیک) دارد که جمعا بیست و یک تار می‌شود. تارهای سمپاتیک به ساز، نوایی پُرطنین می‌دهند (گویی درون آن اتاق پژواک‌دهنده آوا قرار گرفته باشد). شیوه نواختن این ساز به این صورت است که با یک مضراب (یا زخمه‌ای که به شکل سه‌گوش است) و (با حرکت مُچ و شست) به تار (سیم) ضربه‌ای سخت، از بالا به پایین وارد می‌شود، و دست راست که مضراب را نگاه می‌دارد، بر پوست قسمت کاسه (شکم) ساز صدای ضربتی تولید می‌کند. کوتاه‌ترین تار تقویت‌کننده صدا به دور یک برآمدگی بر روی سینه (در سطح جانبی ساز در قسمت بالا) پیچیده شده، تا بطور جداگانه نواخته شود. بدین طریق این سیم صدایی بم تولید می‌کند که در شیوه مخصوصی از نواختن (بنام پَرندکاری؟) استفاده می‌شود، که گویی در آن نوازنده نمونه‌هایی پیوسته از ریتم‌های گوناگون را تولید می‌کند. تحقیق نشان می‌دهد که این نمونه‌ها با طرح‌های هندسی ویژگی‌های مشترک داشته و تا حد زیادی با هنر اسلامی در ارتباط است. در افغانستان سه نوع رباب وجود دارد که با نام‌های ربا بم یا بزرگ، رباب میانه، و رباب زیرچه یا کوچک در میان مردم معروف هستند.



* **ریچک (غیچک)**: ساز زهی خمیده، شبیه کمانچه ایرانی، که دو تار (زه یا سیم) دارد و دسته آن استوانه‌ای، و در قسمت سر آن دو پیچ‌کوک تعبیه می‌شوند. کاسه (شکم) آن گرد و از چوب درخت توت ساخته شده و بر روی آن پوست بز کشیده می‌شود. دسته آن از چوب درخت چنار ساخته می‌شود. برای نواختن ریچک، این ساز را به حالت عمودی نگه می‌دارند و با آرشه می‌نوازند. طول یک ریچک عادی ۸۷ سانتیمتر است.



* **سرنده**: یکی از سازهای زهی (ارشهای) است که از چوب درخت توت ساخته شده، کاسه آن از پوست بز پوشانیده می‌شود و طول آن ۶۵ سانتیمتر است. این ساز باکمانچه یا ارشه نواخته می‌شود و دارای سه تار اصلی و ۱۷ تار فرعی جمعاً بیست تار فلزی و نایلونی است. سرنده فاقد پرده است و در قسمت‌های جنوبی و جنوب‌شرقی افغانستان نواخته می‌شود.



* **سرنی**: یک ساز زهی خمیده که در منطقه وامای نورستان رایج است. ساختار کاسه طنین‌دهنده آن شبیه چنگ است. چوب و پوست بز بکار برده شده در قسمت سر آن به رنگ قهوه‌ای تیره است؛ سوراخ‌های سر این ساز به طرح یکتایی و سه‌گوشی است. دسته (گلولی) و سر میخ‌مانند (پیچ‌کوک) آن هر دو دنباله همان چوبی است که از آن کاسه (شکم) میان‌تهی ساز کنده‌کاری شده است. دو تار روده‌ای بهم‌تابیده شده در قسمت سر ساز توسط دو قطعه میخ (پیچ‌کوک) در دو طرف سر محکم شده‌اند. این تارها که در واقع یک تار بلند هستند که به دو قسمت تقسیم شده، از گلولی ساز به‌فاصله ۱٫۵ سانتیمتر از آن می‌گذرد. برای نواختن این ساز، آن را بطور عمودی نگاه می‌دارند و با ناخنک‌های دست چپ بر تارها ضربه وارد می‌کنند. طول سرنی ۵۹ سانتیمتر و ارتفاع آن ۱۰ سانتیمتر است.

* **شش‌تار**: از سازهای زهی است که ۱۰ تار (سیم)، ۴ تار شیاردار و ۶ تار سمپاتیک (تقویت‌کننده صدا) دارد. از دو قسمت تشکیل شده: کاسه (شکم) که از چوب درخت توت ساخته می‌شود و دسته (گلولی) که از چوب درخت چنار ساخته می‌شود. بر روی کاسه پوست کشیده می‌شود. این ساز با مضراب (زخمه) نواخته می‌شود. طول یک شش‌تار عادی ۷۵ سانتیمتر است.

* **واج (وونز)**: از سازهای زهی منطقه نورستان است که شبیه قوس (کمان) بوده، به چنگ شباهت دارد و دارای چهار تار روده‌ای ساخته شده از الیاف بهم‌تنیده شده است که بر بدنه کمان (قوس) چوبی سخت، تیره و قهوه‌ای‌رنگ محکم می‌شوند. برای آنکه طنین بهتری داشته باشد، کمان را بر وسط یک کاسه (جعبه) چوبی که شبیه عدد هشت اروپایی (8) است قرار می‌دهند و کمان در دو نقطه با نواری از پوست حیوانات بر روی کاسه محکم می‌شود. سطح بالایی کاسه با پوست بز پوشیده می‌شود تا صدا را از تارها به کاسه زیر آن انتقال دهد. نوای (tuning) واج سه‌گامی (tritone) است: c d e f (بگفته لونی دوپری). طول این ساز ۴۷ سانتیمتر و ارتفاع آن ۳۵ سانتیمتر است. مضراب (زخمه) آن هم از همان چوب ساخته شده و مضراب توسط نواری تنیده شده از روده به ساز متصل می‌شود.

سازهای بادی

* **سرنا (سورنای)**: سازی بادی و شمابه به شهنای هند است که از چوب شیشم ساخته می‌شود، طول سرنا حدود ۴۰ سانتیمتر بوده و زبانچه‌ای دارد که از نی ساخته می‌شود. سرنا دارای هفت سوراخ است و یگانه ساز باستانی است که در سراسر افغانستان صرفاً بوسیله هنرمندان حرفه‌ای نواخته می‌شود. سرنا

معمولا با دُهل یکجا نواخته می‌شود که این ساز نه تنها در افغانستان بلکه در کشورهای دیگری چون ایران و ترکیه به کثرت یافت می‌شود. نوازندگان سُرنا و دُهل معمولا در مراسم عروسی، ختنه‌سوران، عیدهای مذهبی، میله‌های باستانی، روزهای نفال‌کاری، در حاشیه میدان‌های ورزش، پهلوانی، اسب‌دوانی، نیزه‌پرانی، بزکشی|بُزکشی، و همچنان در ساحة فعالیت‌های دسته‌جمعی ساختمانی مانند جاده‌سازی، ساختمان‌سازی، حفر جوی‌ها و کانال‌ها و غیره نغمه‌سرایی می‌کنند. نوازندگان سُرنا و دُهل اختصاص به بخش خاصی در افغانستان ندارند بلکه در سراسر کشور این دوگانگی هنری را می‌توان یافت. یگانه فرقی که بین نوازندگان دُهل و سُرنا و سایر هنرمندان موسیقی وجود دارد این است که در تمام زمینه‌های موسیقی می‌توان نوازندگان شوقی و حرفه‌ای را یافت اما نوازندگان دُهل و سُرنا صرفا حرفه‌ای ندارند و غالبا این هنر را به‌عنوان یک شغل به ارث برده‌اند.

* **نی (توله):** قدیمیترین آلت موسیقی است که از قرن‌ها قبل در سرزمین‌های مختلف به اشکال مختلف ساخته شده‌است و در افغانستان نیز سابقه دارد. نی همانطوری که از نامش پیداست از خود نی و به اندازه‌های مختلف ساخته می‌شود. عرب‌ساز بادی شبیه نی داشتند که آن را "قصابه" می‌نامیدند و آلت ناقصی بود و همین ساز بعدا جایش را به نی داد. نی طبیعی‌ترین ساز بشر است که آن را «ساز چوپانان» نیز گویند. اروپائیان این ساز را کامل کرده به‌صورت دیگری درآوردند که آن را "فلوت" می‌نامند و در میان آلات بادی چوبی از همه خوش‌آهنگ‌تر است. نی در سراسر افغانستان رایج بوده و مخصوصا چوپانان و گاوچرانان زمانی که گله‌ها را به چرا می‌برند برای مشغولیت خود آن را می‌نوازند، از همین جاست که در افغانستان "نی چوپانی" نیز می‌گویند. در سال‌های قبل در هرات آلت موسیقی دیگری بنام "تونت" هم در بازارها فروخته می‌شد که آن ساز مثل نی بوده دارای رنگ سیاه و به شکل ماهی بود و اکثر جوانان و نوجوانان آن را می‌نواختند.

* **هارمونی:** ساز است بادی دارای لوله‌های صوتی که با پیانو شباهت دارد و با دمیدن باد توسط پکه دستی و وارد آوردن فشار بر روی دکمه‌های آن آواز می‌دهد. تفاوت هارمونی با "ارگ" این است که در اولی فشار هوا جریان را به سوی بالا می‌برد در حالی که در ارگ به طرف پایین حرکت می‌نماید. این ساز معمولا ایستاده نواخته می‌شود و همچنین ساز دیگری هم وجود دارد که به گردن آویخته شده و دارای پرده و پکه می‌باشد که آن را "آکاردیون" می‌نامند، چون در کشورهای پاکستان، هند و افغانستان موسیقی در حلقه‌های کلاسیک و محلی روی کف نشسته اجرا می‌شود هندی‌ها توانستند از روی همین ساز غربی سازی را اختراع کنند و بطور نشسته آن را بنوازند نام آن را هارمونی گذاشتند و همین هارمونی که در اصل ساز غربی است دوره‌گردها که موسیقی را ایستاده اجرا می‌نمایند در دو دسته آن طنابی بسته و آن را در گردن و یا شانه می‌آویزند و می‌نوازند. هارمونی‌نوازی در دسته‌های موسیقی کلاسیک مروج بوده و اکثر آوازخوان‌های آماتور و حرفه‌ای به نواختن آن می‌پردازند و برخی این ساز را بطور تقنی می‌نوازند.

سازهای کوبه‌ای (ضربی)

* **دایره (ساز):** دایره (دَف): "ساز کوبه‌ای (ضربی) است که از چوب بید و پوست بز به شکل دایروی به اندازه‌های کوچک و بزرگ ساخته می‌شود، برای ساختن دایره یک تکه چوب بید را به ضخامت عرض و طولی که لازم باشد اِره می‌کنند بعد تخته بدست‌آمده را به مدت بیست و چهار ساعت در آب گذاشته سپس به صورت دایروی گرد می‌سازند، دو نوک آن را با هم می‌کنند بعد پوست گوسفند یا بز را که پشمش دور شده و بادکش شده باشد توسط سریش (چسب) روی آن نصب می‌کنند. دایره در تمام نقاط افغانستان توسط هنرمندان کسبی و شوقی ولی بیشتر توسط زنان و دختران در محافل و میله‌های فامیلی و غیره نواخته می‌شود.

* **دُهل:** "طَبلی است بزرگ و دورویه (هر دو طرف پوست گاو یا گاو میش دارد) که در متون مختلف داول، تاول و داوول نیز ثبت شده. شکلی از آن به همراه سُرنا در مناطق روستایی نواخته می‌شود. نوازنده دُهل را با ریسمانی که از شانه‌ها می‌گذرد به خود آویخته و با دو مضراب مختلف می‌نوازد. دُهل انواع و

اقسام زیادی دارد مثل دهل لوگری، دهل بلوچی، دهل باز، دهل گردی و دهل یکرویه. نواختن ساز و دهل یا دهل و سُرنا در روستاهای افغانستان به‌ویژه شهر هرات پکتیا جلال آباد کابل مروج بوده و در ایام خوشی، عیده‌ها و عروسی‌ها می‌نوازند. طول یک دهل عادی در حدود ۴۰ سانتیمتر و قطر (هندسه) قطر آن در حدود ۲۲ سانتیمتر است.

* **" دهلک "** ساز کوبه‌ای یکرویه‌ای است که شامل دو طبل بوده و در منطقه گردیز رایج است. این دو طبله از چوب جلدیس ساخته می‌شوند و بر روی آنها پوست بز کشیده می‌شود. بر روی سر هر یک از این دو طبل دایره‌ای سیاه‌رنگ به قطر حدود ۸ سانتیمتر نقش می‌شود. سرهای این دو طبل توسط ریسمان‌های بهم‌تابیده شده که بر روی بدنه خارجی این طبله‌ها تا قسمت پایین آن کشیده شده محکم می‌شوند. در قسمت پایین ساز، طوقی (حلقه‌ای) بنفش‌بنفش‌رنگ به‌دور بدنه ساز که با پارچه پوشیده شده، کشیده می‌شود. دهلک با چوب (چوب دهلک) نواخته می‌شود که این چوب از چوب چهارمغز (گردو) ساخته می‌شود. دهلک شبیه نقاره است که در آسیای میانه رواج دارد. طبل بزرگ ۲۱ سانتیمتر قطر (هندسه) قطر دارد و ۱۰ سانتیمتر عمق. طبل کوچک ۱۹ سانتیمتر قطر دارد و ۹ سانتیمتر عمق. چوب دهلک هم ۲۴ سانتیمتر طول دارد و ۱,۵ سانتیمتر عرض.

* **" زنگ (تال): "** از سازهای کوبه‌ای است و متشکل از دو پیاله کوچک است از برنج (آلیاژ) که خنیاگران هندوستان به هنگام آوازخوانی آنان را بر هم می‌زنند و به صدای آن اصول نگاه می‌دارند و پایکوبی می‌کنند. تال و زنگ ساز واحدی بوده‌اند که تال در هندوستان و زنگ در افغانستان رواج داشته‌است. اهالی لرستان ایران به کمانچه تال می‌گویند. کمانچه لُری دارای کاسه پشت‌باز و دسته‌ای بلندتر از کمانچه‌های معمولی بوده و سه سیم دارد. همچون از دو تکه فلز دایروی کوچک تشکیل شده که در دست گرفته می‌شود و به‌هم زده می‌شوند. این ساز بیشتر در شمال و جنوب افغانستان مورد استفاده قرار می‌گیرد و در هرات هم با نواختن دوتار و طبله و رباب نواخته می‌شود.

* **" زیربغلی: "** یک ساز کوبه‌ای (ضربی) است مشابه تنبک ایرانی که معمولاً از گل (سفال) ساخته می‌شود، سر کوچک زیربغلی باز است و سر بزرگ آن با پوست بز یا پوست آهو پوشانیده می‌شود و با انگشتان هر دو دست نواخته می‌شود. زیربغلی ۶۲ سانتیمتر طول داشته و قطر بزرگ آن ۱۹ سانتیمتر است. این ساز محلی که از چوب شیشم نیز ساخته می‌شود، بیشتر در صفحات شمال و غرب افغانستان مورد استفاده هنرمندان قرار می‌گیرد.

* **" طبله "** ساز کوبه‌ای (ضربی) است که طی سال‌های متمادی در افغانستان آورده شده‌است و از نظر مکتب دهلی نو از واژه طبل با دهل دو سره استنباط شده که قبلاً آن را پخاوج (میردنگ) می‌گفتند. طبله از دو واحد استوانه‌ای تشکیل شده که قسمت بزرگ آن را "بم" و کوچک آن را "زیل" یا "کاتی" می‌نامند و امروزه در دسته‌های موسیقی در افغانستان، هندوستان و پاکستان در حلقه‌های قوالی‌خوان‌ها بیشتر مورد استفاده قرار دارد. پوست که در آن نواخته می‌شود به سه قسمت تقسیم شده است. قسمت که پوست را محکم می‌سازد قسمت دوم خالی پوست و سوم پره یا مواد سیاه‌رنگ است که از لاک ساخته می‌شود. مشهورترین طبله نوازان افغان استاد محمد عمر و شادروان استاد رحیم خوشنواز در نواختن رباب و بهاء‌الدین مزاری در نواختن تنبور شهرت جهانی داشتند. استاد عزیز هروی و استاد گدامحمد از چیره‌دستان در نواختن دوتار هراتی بشمار می‌روند.

منابع

1. ↑ تحول موسیقی در افغانستان، نوشته دکتر عبدالوهاب مددی
2. ↑ افغانستان، نوشته لویی دوپری (Louis Dupree)، انتشارات دانشگاه آکسفورد (Oxford University Press)، ایالات متحده امریکا، ۲۰۰۲

1. موسیقی و سانسور در افغانستان، ۱۹۷۳-۲۰۰۳ (عنوان انگلیسی: censorship in Music and Afghanistan, 1973-2003)، نوشته جان بیلی (John Baily)، فصلی از کتاب موسیقی و نواختن قدرت در خاور میانه، شمال آفریقا و آسیای مرکزی (عنوان انگلیسی: Music and the Play of Power in the Middle East, North Africa and Central Asia)، نوشته لادن نوشین (Laudan Nooshin)
2. تحول موسیقی در افغانستان، نوشته دکتر عبدالوهاب مددی
3. نگاه به تاریخ موسیقی افغانستان نوشته اسداله شعور در وبگاه بی بی سی
http://www.bbc.co.uk/persian/arts/2013/04/130212_mar_afgmusic_history_music_as_sadullah_shour.shtml
4. تب موسیقی رپ در افغانستان نوشته کاوون خاموش در وبسایت بی بی سی
5. http://www.bbc.co.uk/persian/afghanistan/2013/04/130426_k03_afgmusic_rap_in_afghanist_an_kawoon.shtml
6. از خاموشی تا جیغ، موسیقی افغانستان در یک دهه گذشته نوشته فرهاد دریا در وبسایت بی بی سی
http://www.bbc.co.uk/persian/afghanistan/2013/04/130308_mar_afgmusic_farhad_darya_on_afg_music.shtml
7. میراث را که استاد قاسم افغان به موسیقی افغان بجا گذاشت نوشته صبوراله سیاه سنگ در وبسایت بی بی سی
http://www.bbc.co.uk/persian/afghanistan/2013/04/130212_mar_afgmusic_legacy_of_old_artist_siasang.shtml
8. سفر از خرابات به پاپ نوشته ظاهر هویدا مرحوم در وبگاه بی بی سی
http://www.bbc.co.uk/persian/afghanistan/2013/04/130327_k04_afgmusic_pop_zainab.shtml
9. نگاهی به ظهور و افول گروه های موسیقی در افغانستان نوشته مسعود حسن زاده در وبسایت بی بی سی
http://www.bbc.co.uk/persian/afghanistan/2013/04/130216_afgmusic_groups_hasanzada.shtml
10. موسیقی افغانستان: موسیقی دانان حرفه‌ای در شهر هرات (مطالعات کمبریج در موسیقی‌شناسی فرهنگی) (عنوان انگلیسی: Musicians in the City of Herat (Cambridge Studies in Music of Afghanistan: Professional Ethnomusicology))، نوشته جان بیلی (John Baily)، انتشارات دانشگاه کمبریج (Cambridge University Press)، کمبریج،
11. کتاب نصرالدین سلجوقی، "موسیقی و تئاتر در هرات"، صص. ۱۳۲-۱۳۴
12. نویسنده افغان ارته کونا کارشناس تاریخ افغانستان
13. موسیقی افغانستان نوشته وحید قاسمی در وبگاه زیر وبم
<http://www.zeerwabum.org/160516081587174016021740-15831585-157516011594157516061587157815751606.html>